

«قتل» در قوانین باستانی: بحثی در تاریخ حقوق

قدیمی‌ترین قوانین و مقررات حقوقی جهان که از بین‌النهرین باستان به دست ما رسیده‌است، سه مجموعه به زبان سومری و دو مجموعه به زبان اکدی هستند:

۱- گزارش روایت‌گونه از اصلاحاتی که توسط اروککینا (Urukagina)، حکمران شهر لگش، انجام شده، حدوداً ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد؛

۲- مجموعه قوانین اورنمو (Ur - Nammu)، بنیانگذار سومین سلسله اور در حدود ۲۱۰۰ ق.م.؛

۳- مجموعه قوانین لیپیت ایشتار (Lipit - Ishtal) شاه ایسین (Isin) در حدود ۱۸۰۰ ق.م.؛

۴- (به زبان اکدی) مجموعه قوانین اشنونا، شهری در شمال شرقی بابل، که پیشتر تصور می‌شد حدود دو سده قبل از حمورابی بوده، اما امروز می‌گویند احتمالاً تنها چند دهه قدیم‌تر است.

۵- و قانون‌نامه مشهور حمورابی - شاه بابل - (۱۷۹۲ - ۱۷۵۰ ق.م.)، که مفصل‌ترین و کامل‌ترین قانون‌نامه‌ای است که از بین‌النهرین باستان به دست ما

رسیده‌است. این قانون‌نامه را که بر ستونی از سنگ ویوریت سیاه به ارتفاع دو متر حک شده، کاوشگران فرانسوی در زمستان ۱۹۰۱ - ۱۹۰۲ در ویرانه‌های شهر باستانی شوش پیدا کرده پس از رمزگشایی، نخستین بار در ۱۹۰۲ به زبان فرانسوی و از آن زمان تاکنون مکرراً به زبان‌های معتبر دنیا ترجمه شده‌است.

راجع به موضوع مورد بحث ما یعنی قتل - در سه مجموعه نخستین - غیر از آن گزارش روایت‌گونه که قانون‌وار نیست - مطلب قابل توجهی نیست. بنابراین ما توجه خود را معطوف می‌کنیم به دو منبع بسیار معتبر که برای هدف ما کاملاً مناسب هستند: الف) قانون‌نامه حمورابی (ب) عهد عتیق (شامل تورات و دیگر کتب آن. اما پیش از ورود به مواد قانون‌نامه حمورابی، باید به نکته مهمی اشاره کرد و آن طبقه‌بندی سه‌گانه مردم در جامعه بابلی روزگار حمورابی است که از نظرگاه حقوقی مخصوصاً جزایی، سرنوشت‌ساز است. قوانین به تقسیم‌بندی سه‌گانه اجتماع اشاره می‌کنند: پست‌ترین طبقه وردوم (- Wardum)، شامل بردگان است.

برترین طبقه با واژه اویلوم (awilum) نام‌گذاری شده که معمولاً «مرد»، «شخص» و «انسان» (در مقایسه با حیوانات و خدایان) معنا می‌دهد؛ اما در اصطلاح قانون‌نامه ظاهراً به معنی «مرد آزاد» یا شاید «دارنده اموال» است و به «عضوی از طبقه اشراف» ترجمه شده‌است.

منزلت دقیق طبقه میانی مشکته‌نوم (mushkenum) کاملاً واضح نیست. این قوانین به همراه منابع دیگر، تصویر اشخاص با منزلت اجتماعی پایین را به دست می‌دهند که از حمایت دربار برخوردار بودند. «اینکه آیا ارتباط با دربار نشان می‌دهد که يك مشکته‌نوم «وابسته دربار» بوده یا صرفاً مرد فقیری که پادشاهی عادل متعهد به حمایت از حقوق او شده بود، مسلم نیست». این اصطلاح به «عضوی از طبقه متوسط یا عوام الناس» ترجمه شده‌است. مشکته‌نوم وابستگی به دربار داشته و در قصر یا زمینهای شاهی کار می‌کرده‌است.

قتل در تعریف حقوقی سلب حیات است از دیگری که با توجه به وجود عنصر قصد و اراده برای کشتن یا نبود آن به قتل عمد و غیرعمد تقسیم می‌شود و غیرعمد خود به اقسامی (شبه‌عمد، خطای محض و تسبیب) و هرکدام از این اقسام در نظامهای حقوقی متفاوت، مجازاتی خاص دارد. اکنون می‌خواهیم انواع قتل و مجازاتهای آن را در قانون‌نامه حمورابی و سپس عهد عتیق بررسی کنیم و برای رعایت اختصار از مقایسه آنها با مفاهیم امروزی صرف‌نظر می‌کنیم.

و این نکته را هم باید بیفزاییم که قانون‌نامه‌های باستانی ما چون قوانین امروزی در صدد بیان تمام موارد نیستند. منبع قضاوت نه قانون‌نامه‌ها بلکه شخص قضات هستند که عالیت‌ترین آنان شاه است و منبع ایشان همان عرف متداول است که البته گهگاه به ابداعات و نوآوری‌هایی هم برخورد می‌کنیم مانند قانون قصاص که در جای خود به آن خواهیم پرداخت. و این قانون‌نامه‌ها، برای نمونه قانون‌نامه حمورابی، مجموعه‌ای از بهترین و عادلانه‌ترین احکامی هستند که حمورابی در طی دوران طولانی حکومتش صادر کرده و برای آموزش و خودنمایی جمع و بر روی ستون بزرگی حک کرده‌بود تا قضات را دانش افزایش دهد و مردم را از عدالتخواهی او باخبر گرداند. (البته پس از تغییر شکل احکام).

مسئله ۱- اتهام قتل و ناتوانی در اثبات آن: اگر کسی دیگری را متهم به قتل کند و از اثبات آن ناتوان باشد، اتهام‌زننده به این جرم کشته می‌شود (ماده ۱ قانون‌نامه حمورابی).

مسئله ۲- وجود مسئولیت جمعی در دوران قدیم باعث می‌شود که زن و فرزندان يك شخص در قبال دیون او مسئول باشند.

و لذا گاهی به گرو برده می‌شوند (به رسم تأمین خواسته) و گاهی به بردگی فروخته می‌شدند (ماده ۱۱۷). ماده ۱۵۲ حمورابی صریحاً مقرر کرده‌است که زن پس از ورود به خانه شوهر، همراه شوهر مسئول دیون (بعد از ازدواج) اوست.

مرگ طبیعی گروگان در خانه گروکش جرم نیست (ماده ۱۱۵)، اما اگر گروگان در اثر سوء استفاده یا بدرفتاری و کتک بمیرد، پس از اثبات، اگر متوفی پسر مدیون باشد، باید پسر گروگان گیر را بکشد و اگر برده او باشد، باید جریمه مالی بدهد (میثای نقره) و از دریافت طلب خود نیز محروم می شود (ماده ۱۱۶). (مینا واحد وزنی است تقریباً برابر ۵۰۰ گرم، که مبلغ زیادی است).

مسئله ۳- قتل شوهر توسط زن به خاطر مردی دیگر: اگر همسر شخص به خاطر مرد دیگری موجبات مرگ شوهرش را فراهم آورد، باید آن زن را به تیرک به میخ بکشند (impale) (ماده ۱۵۲).

مسئله ۴- مرگ کودک در دست دایه ای که بچه را شیر می دهد: اگر کسی پسرش را برای نگهداری به دایه ای بسپارد و پسر در دست او تلف شود، دایه باید قبل از پذیرفتن دایگی و مراقبت از پسر دیگری، رضایت پدر و مادر طفل مرده را جلب کند، و اگر بدون جلب رضایت، چنین کند، پستان او را به کیفر می برند. (ماده ۱۹۴)

در ترجمه و تفسیر ماده مذکور (۱۹۴) قدری اختلاف هست. مترجمان سابق مانند Meek و Driver نوشته اند «... اگر دایگی پسر دیگری را بدون اطلاع پدر و مادرش بپذیرد...»، و چنین تفسیر کرده اند که دایه باید والدین طفل جدید را از سابقه خود و اینکه طفلی در دست او تلف شده، آگاه نماید.

G.K.Driver and J.C.Miles, The Babylonian laws, Oxford 1952 (1968), V.1,P.405f.

اما علمای جدیدتر از جمله پروفیسور راث و استاد آشورشناس دکتر عبدالمجید ارفعی ترجمه اول را صحیح می دانند. همین طور در فرهنگ آشوری دانشگاه شیکاگو: CAD, MII, p.285.

مسئله ۵-

کشتن کسی به غیر عمد در يك دعوا:

اگر كتك زدن شخص دیگری را، فقط منجر به زخمی شدن طرف شود، ضارب باید قسم بخورد که «من عمداً او را نزدِم» و علاوه بر این مخارج درمان را بپردازد (ماده ۲۰۶):

اما اگر كتكها منجر به مرگ مصدوم شود، پس از ادای قسم سابق:

(الف) اگر طرف از اشراف باشد، نصف مینای نقره برای خسارت می‌پردازد (ماده ۲۰۷)،

(ب) اگر طرف از عوام الناس باشد $\frac{1}{3}$ مینای نقره می‌دهد (ماده ۲۰۸).

مسأله ۶- ضرب دختر حامله و قتل او:

(الف) اگر دختر از اشراف باشد: جریمه ضارب: ده شکل نقره (ماده ۲۰۹) (ب) اگر از عوام الناس باشد: جریمه: پنج شکل نقره (ماده ۲۱۱) (ج) اگر کنیز باشد: جریمه: دو شکل نقره (ماده ۲۱۳)	}	اگر کسی دختر دیگری را بزند و باعث سقط جنین او شود: * مقایسه شود با سفر خروج باب ۲۱/آیه ۲۲ *
---	---	---

(الف) اگر دختر از اشراف باشد، جریمه مالی ندارد بلکه دختر ضارب را می‌کشند. (۲۱۰) (ب) اگر از عوام باشد: جریمه نیم مینای نقره (۲۱۲) (ج) اگر کنیز باشد: جریمه $\frac{1}{3}$ مینای نقره (۲۱۳)	}	اگر ضرب دختر حامله و سقط جنین او منجر به مرگ او شود:
--	---	---

(Shekel) شکل واحد وزن قدیمی است برابر ۸ گرم؛ و امروزه نام واحد پول

رژیم غاصب اسرائیل می‌باشد. تلفظ بابلی شِقل و تلفظ عبری شکل است).

مسأله ۷- قتل شخص در نتیجه اعمال جراحی توسط پزشك:

اگر جراحی باعث مرگ بیمار شود و یا اگر جراح چشم بیمار را عمل جراحی کرده و باعث کوری شود:	}	دست جراح را قطع می‌کنند (ماده ۲۱۸)
--	---	---

اگر جراحی باعث مرگ بردهٔ یکی از عوام الناس می‌شد جریمه پزشك باید برده‌ای بدهد (۲۱۹)،

اگر چشم بردهٔ او را عمل می‌کرد و کور می‌کرد جریمه نیمی از قیمت برده را با نقره می‌دهد (۲۲۰):

(مرگ گاو یا الاغ در نتیجهٔ جراحی دام پزشك جریمه پرداخت ۱ بهای حیوان (۲۲۵).
مسأله ۸- قتل در اثر اهمال معمار در ساختن خانه و سقوط آن:

اگر سقوط خانه موجب قتل صاحب خانه شود - معمار کشته می‌شود (۲۲۹)،

اگر موجب قتل پسر صاحب خانه شود - پسر معمار کشته می‌شود (۲۳۰)،

اگر موجب قتل بردهٔ صاحب خانه شود - معمار باید برده‌ای بدهد (۲۳۱)،

و اگر موجب خسارت مالی شود، جبران خسارت و دوباره ساختن خانه به خرج خود (۲۳۲).

مسأله ۹- قتل دیگری توسط حیوان شخص

اگر گاوی که در خیابان می‌رود، به کسی شاخ بزند و او را بکشد، ادعایی علیه صاحب گاو پذیرفته نمی‌شود و مجرم نیست (ماده ۲۵۰) اما اگر گاو شاخ زن بوده و قبلاً انجمن شهر به او تذکر داده‌است ولی او دقت نکرده و تدبیری نیندیشیده:

الف) اگر مقتول از اشراف بوده‌باشد - صاحب گاو نیم مینای نقره باید بدهد. (۲۵۱)

ب) اگر بردهٔ کسی بوده‌باشد - ۱ مینای نقره به مالك برده می‌دهد. (۲۵۲)

* مقایسه شود با سفر خروج باب ۲۱ آیات ۲۸ - ۳۶. *

مسأله ۱۰-

ظهور قانون قصاص در قوانین حمورابی:

در ماده ۱۹۶ می‌خوانیم «اگر کسی چشم عضوئی از طبقهٔ اشراف را تباه کند، چشم او را تباه می‌کنند.»

ماده ۱۹۷: «اگر دست او را شکسته‌است، دستش را می‌شکنند.»

دیه همین جرایم برای عامی يك مینا (ماده ۱۹۸) و برای برده نیم بهای او (۱۹۹) است.

دندان در برابر دندان (ماده ۲۰۰). در این جا ما شاهد ظهور قانون قصاص هستیم؛ در قانون قدیمی تر **اشنونا** برای همین جرایم، جریمه سنگین مالی مقرر شده است، آنجا در ماده ۴۲ می خوانیم:

«اگر کسی بینی عضو از طبقه اشراف را قطع کند يك مینای نقره باید بدهد؛ برای يك چشم يك مینا؛ برای يك دندان، $\frac{1}{4}$ مینا؛ برای يك گوش، $\frac{1}{4}$ مینا ...»
در ماده ۱۹ قانون اورنمو (Ur - Nammu) برای هر دندان، ۲ شکل نقره و برای قطع بینی با چاقوی مسین $\frac{2}{3}$ مینا مقرر شده بود.

پروفسور ریچارد اس. الیس - استاد داشگاه بیل - در این باره می گوید: «این نوع مجازات [= قصاص] در زمان حمورابی و اگرچه بسی رحمانه به نظر می رسید، می توانست پیشرفتی در نظریه حقوقی تلقی شود باید خاطر نشان کرد که قصاص باید توسط دولت مطالبه می شد نه طرف زخم خورده. پیش از زمان حمورابی، جرایمی شبیه تجاوز، جرایم علیه اجتماع تلقی نمی شدند بلکه آنها را خطای مدنی می دانستند که می توانست با پرداخت جریمه به مجنی علیه جبران شود. در زمان حمورابی مفهوم جنایت که به جرایم علیه دربار و معبد محدود بوده است، توسعه یافت و جرایم خصوصی را هم دربرگرفت هر چند فقط در صورتی که مجنی علیه به طبقه اوایلوم متعلق باشد.»

قتل در عهد عتیق

پاسخ کتاب مقدس به قتل، میان حوزه حقوق خصوصی و عمومی معلق است. خویشاوندان و متحدان قربانی حق اقدام برای انتقام و اجرای عدالت را دارند؛ جامعه به آنان اجازه می دهد مجرم را بکشند یا تاوان مالی برای مرگ خویشاوند قبول کنند. اگرچه انتخاب نوع عمل آنها بستگی به علت قتل دارد: الف) قتل از روی بی احتیاطی و غفلت negligent homicide ب) قتل غیر عمد involuntary manslaughter ج) قتل عمد murder.

وضعیت آزاد یا برده بودن قربانی نیز عاملی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۱- مسأله اول. صاحب بی احتیاط گاو که کسی را شاخ مرگباری می زند، محکوم به تاوان مالی است اگر مقتول برده باشد، اما اگر مقتول آزاد باشد، محکوم به مرگ می شود. سفر خروج باب ۲۱ / آیات ۲۸ - ۳۲.

با این حال به صاحب گاو اجازه داده می شود برای پرداخت تاوان مالی در آن مورد، وارد مذاکره شود؛ اما خود گاو در هر صورت کشته می شود.

۲- مسأله دوم. کسی که مرتکب قتل غیر عمد می شد ممکن بود به حق توسط خویشاوندان مقتول - ولی دم - کشته شود و در این حال خونس هدر بود. اما مقامات شهری می توانستند مداخله کرده، به قاتل غیر عمد در «شهری امن» یا «ملجا» پناهندگی اعطا کنند که به نوعی تبعید می ماند. خروج ۲۱/۱۲-۱۳ // اعداد ۳۵ / ۱-۳۴ // تنبیه ۱۹ / ۱-۱۳.

«... شش شهر به عنوان پناهگاه [= بست] وجود داشت تا اگر کسی تصادفاً مرتکب قتل شود بتواند به آنجا فرار کند و در امان باشد.» اعداد ۸/۳۵.

۳- مسأله سوم. مجازات عادی برای قتل عمد، مرگ بود. پیدایش ۶/۹ // خروج ۲۱/۱۴.

در اغلب موارد انتقام توسط خویشاوندان یا متحدان مقتول گرفته می شد. پیدایش ۴/۱۱-۱۵ // کتاب دوم ساموئیل ۱۴/۴-۱۱.

مقایسه کنید با مورد انتقام خطا در دوم ساموئیل ۳/۲۶ / ۳۰ // اول پادشاهان ۲/۵-۶.

در این آیات خویشاوندان مقتول کسی را به جرم قتل خویش خود می کشند... هر چند به ناحق.

اهانت و جریحه دار کردن احساسات عمومی، ممکن بود گاهی باعث تحریک و برانگیختن اجتماع شود و به اقدام علیه قاتل بینجامد. یعنی انتقام از انحصار خویشاوندان خارج می شد. قاتل عمد حتی اگر به شهرهای امن پناه ببرد، معاف نیست.

خروج ۱۴/۲۱ // تننیه ۱۹/۱۱-۱۲ // داوران ۲۰/۱۲-۱۳ // فرقیال ۲۳/۴۵-۴۹.

در فرقیال ۲۳/۴۵ آمده که اشخاص درستکار کسی را که دستش به خون آلوده است محکوم می‌کنند.

۴- مسأله چهارم. دادن تاوان مالی در موارد قتل عمد شدیداً در لایان ۲۴/۲۱ و اعداد ۳۱-۳۴/۳۵ (قن لایان ۲۴/۱۸) محکوم شده‌است؛ زیرا حقوق کتاب مقدس عموماً قتل عمد را یک جرم عمومی تلقی می‌کند و نه خصوصی. در آیه‌ای صریحاً آمده که «قتل موجب آلودگی زمین می‌شود» اعداد ۲۵/۳۴. البته محققان می‌گویند که منع مصالحه و پذیرش خونبها در مورد قتل عمد در میان عبریان مربوط به دوران بعد از تبعید است. Driver, Miles, The Babylonian laws V.1. p. 502.

و در جای دیگر خداوند رحمت خود را از قوم، به علت بی‌مجازات ماندن قتل و ادا نشدن حق اولیای دم، باز گرفته‌است: دوم ساموییل ۲۱/۱-۴ // اول پادشاهان ۲۰/۳۹.

۵- مسأله پنجم. مدارکی هستند که نشان می‌دهد تاوان مالی برای شماری از دیگر جرایم مستوجب مرگ مقرر شده‌بود:

تاوان برای زنای محصنه در امثال ۶/۳۰-۳۵ پیشنهاد شده‌است. (در لایان ۱۹/۲۰-۲۲، برده بودن زن مجازات زانی را منتفی می‌کند).

برای شکستن یک قسم جدی مبنی بر قربانی کردن یک شخص، در اول ساموییل ۱۴/۲۴-۴۶ تاوان مالی جایگزین شده‌است اما در دوران ۱۱/۳۰-۴۰، خیر.

نیز می‌توان از نهاد عرخ (erckh) - به معنای معادلهای مالی - نام برد که می‌توانست در عوض یک موقوفه، از جمله اشخاص، تقدیم شود و موقوفه آزاد گردد (لایان ۲۷/۱-۳۳)، به غیر از مورد حرم (herem) یعنی آنجا که موقوفه کاملاً وقف خدا شده‌است که تاوان پذیرفته نمی‌شود. (لایان ۲۷/۲۹).

عرخ (erckh) به منظور بازخرید و رهایی قربانیان احتمالی تبعید یا مرگ در دوم پادشاهان ۲۳/۳۵ پیشنهاد شده‌است.

منابع

ترجمه قوانین بین‌النهرین باستان:

J.J. Finkelstein , The laws of Ur - Nammu;

S.N. Kramer , Lipit - Ishtar Law Code;

Albrecht Goetze , The laws of Eshnunna;

Theophile J. Meek , The Code of Hammurabi;

در این کتاب:

J.M. Pritchard (ed.) , Ancient Near Eastern Texts relating to The old Testament , 3 rd edition, Princeton 1969.

Richard S. Ellis , Hammurabi , Cade of ; Encyclopedia Americana , 1996.

Jean Bottero, Mesopotamia , Writing , Reasoning , and the Gods , Eng. tr. , Chicago 1995 , pp. 156 - 184.

کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید)، انجمن بین‌المللی کتاب مقدس ۱۹۹۵.

قاموس کتاب مقدس، جیمز هاکس، ذیل قتل و شهرهای بست.

Israelite law: Criminal law , by Samuel Greengus , in The Encyclopedia of Religion , M.Eliade (ed.) Macmillan 1987, V.7.